



آسیب‌شناسی چاپ، تجدید چاپ، نشر و توزیع کتاب (۲۱ و ۲۲)

حق‌التألیف معمولاً چنین است: شمارگان ضرب در بهای پشت جلد، ضرب در درصد قرارداد (که معمولاً ۱۰ تا ۱۵ درصد است) و در غیر این صورت به نوع توافق ناشر با مؤلف بستگی دارد. در قرارداد، نوع و جنس چاپ، اعم از این‌که به صورت افست باشد یا دیجیتال، یاریسویا زیراکس یا ... مطرح نیست و مهم پرداخت حق‌التألیف و سهم مؤلف یا مترجم یا مصحح از کتاب چاپ‌شده، بر اساس توافق یا شمارگان کتاب است.

حال مؤلف از کجا در یابد و اطمینان حاصل کند که کتاب واقعاً همان شمار چاپ شده که در صفحه حقوقی اثر ذکر شده است؟ یا موجودی انبار تمام شده یا نه؟ ظاهراً راهی جز اعتماد به ناشر نیست.

طبق دو قاعده حقوقی و فقهی «المؤمنون عند شروطهم» و «عهودهم» و «تجارة عن تراض منکم» طرفین ملزم به رعایت عهد و پیمان خود هستند، زیرا با رضایت خاطر به اجرای مفاد آن متعهد شده‌اند. پس اخلاق حرفه‌ای حکم می‌کند که هم ناشر شمارگان، بهای کتاب، محل چاپخانه و دیگر مفاد متعارف صفحه حقوقی را درج کند و هم مؤلف نباید، خارج از مفاد قرارداد، کار خلافی مثل چاپ بخش‌هایی از کتاب در جایی دیگر و ... را مرتکب شود.

(۱) حق مؤلف، شمارگان کتاب و ابهامات یک دعوی حقوقی

در ۲۰ یادداشت گذشته درباره آسیب‌شناسی تحقیق، تألیف و چاپ و نشر کتاب کشور در چندساله اخیر به موضوعات مختلفی اشاره کرده‌ام که جملگی در پایگاه اینترنتی میراث مکتوب در دسترس است. یکی از موضوعاتی که شایان طرح است، بحث شمارگان کتاب و بررسی مدعای ناشران است.

تا زمانی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یارانه کتاب و کاغذ تخصیص می‌داد، پس از شمارش کتابها در انبار ناشر به وی نامه اعلام وصول و مجوز پخش و توزیع داده می‌شد. این کار نسبتاً روش خوبی برای نظارت بر موجودی کتاب و شمارگان مذکور در صفحه حقوقی کتاب به شمار می‌رفت. پس از حذف یارانه، دیگر دلیلی بر نظارت بر شمارگان اعلان‌شده از سوی ناشران نبود و گویا الزامی هم در ذکر تیراژ در صفحه شناسنامه نبود، اگرچه در برگه اعلام وصول نشر باید حتماً ذکر می‌شد.

وقتی در صفحه حقوقی کتاب یا شناسنامه اثر، تیراژ ذکر نمی‌شود، تنها مدرکی که مؤلف دارد قرارداد اوست که شمارگان ممکن است در آن ذکر شود. به هر روی، محاسبه

در هر صورت ناشر موظف است به محض اتمام موجودی کتاب در انبار خود، پدیدآورنده را آگاه سازد تا وی برای تجدید چاپ و احیاناً اجرای اصلاحات و ویرایش جدید یا نوشتن مقدمه چاپ دوم و... قرارداد اعلام نظر کند. طبعاً نه بدون مشورت حق تجدید چاپ دارد و نه اخلاقاً مجاز است اتمام موجودی اثر در انبار را کتمان کند. زیرا التزام به مفاد قرارداد و رعایت آن برای طرفین تعهدآور است. با این حال اگر از طریقی خلافش ثابت شد، جای طرح دعوا در محاکم باز است و مدعی باید با اقامه دلایل اثبات کند که مثلاً ناشر بیش از تیراژ مورد نظر کتاب را چاپ کرده یا ثابت کند که نسخه‌های جدیدی از کتاب عرضه شده که با چاپ اول مغایر است یا اثبات کند که ناشر خلاف عهد خود عمل کرده، اما آیا ساز و کاری برای اثبات این ادعاها وجود دارد؟ مؤلف چگونه می‌تواند مدعای خود مبنی بر کتمان ناشر در خصوص اتمام موجودی اثر را اثبات کند و چگونه می‌تواند اثبات کند که ناشر کتابش را به صورت دیجیتال در شمارگان محدود چاپ می‌کند، ولی در صفحه شناسنامه اطلاعات چاپ اول را درج می‌نماید؟

مدتی بود قصد نوشتن چنین یادداشتی را داشتم تا این که با استنادی که به دیده تردید به باز نشر کتابها ایشان می‌نگریستند مواجه شدم و به نظرم رسید باید فکری کرد و اداره کتاب با همکاری اتحادیه ناشران باید چاره‌ای برای این موضوع بیندیشد.

(۲) حقوق مادی مؤلفان؛ از خلاهای قانونی تا بازارهای مکاره سودجویان

حقوق مؤلفان، مصححان، مترجمان و کلیه پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسیده و با اندک اصلاحاتی همچنان ملاک عمل است و بدان استناد می‌شود. طبعاً حقوق هر اثر دارای دو جنبه مادی و معنوی است: از لحاظ حقوق مادی، که مربوط به درآمد و سود و بهره حاصل از فروش و تولید و توزیع اثر است، طبق قرارداد با ناشر، سهم پدیدآورنده پرداخت می‌گردد. حقوق معنوی اثر هم شامل ثبت اسم پدیدآورنده، حق تغییر، ویرایش، و دریافت جوایز است. اما طبق ماده ۱۲ این قانون، حق مادی

هر اثر فرهنگی و هنری، پس از گذشت ۳۰ سال از فوت پدیدآورنده، به عموم استفاده‌کنندگان تعلق می‌گیرد و هر کس می‌تواند با حفظ حقوق معنوی پدیدآورنده از منافع مادی حاصل از تولید و فروش و نشر و پخش اثر منتفع گردد. بنابراین، هر نوع تعرض به جنبه‌های معنوی مالکیت اثر، به موجب مواد ۱۹ و ۲۵ این قانون، جرم محسوب می‌شود و طبق ماده ۲۶، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند از افرادی که در اثر تغییر یا تحریفی ایجاد می‌کنند شکایت کند.

ماده ۱۲ این قانون در سال ۱۳۸۶ در مجلس شورای اسلامی تجدید نظر شد و مدت ۳۰ سال به ۵۰ سال پس از درگذشت پدیدآورنده تغییر یافت.

اصل پذیرش حق مالکیت معنوی، خلاف نظر حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله است. البته بعدها شنیده شد که مرحوم علی‌اکبر غفاری، که خود هم مصحح و پژوهشگر متون حدیثی و رجالی بودند و هم ناشر و موزع این آثار، خدمت حضرت امام رفته و با اقامه دلایلی ایشان را متقاعد کرده‌اند. گویا از آن زمان نظر ایشان تغییر می‌کند (والعهده علی الراوی).

بحث اصلی در این یادداشت این است که حال که به موجب قانون کپی‌رایت و حق مالکیت فکری به عموم مردم اجازه داده شده که از منافع مادی آثاری که ۵۰ سال از فوت پدیدآورندگان آنها گذشته بهره‌مند شوند، چرا عده‌ای بی‌مسئولیت به خود اجازه می‌دهند اسم کس دیگر را در ذیل اسم پدیدآورنده، با عنوان «به اهتمام» یا به «کوشش» یا... بدون اندک کوششی یا حتی بدون هیچ کوششی درج کنند؟ در سالهای اخیر، کتاب‌سازانی که جوای نام و طالب مال و منال از کار و نام دیگرانند، این نوع کتابها را باز چاپ می‌کنند مثلاً فهرستی به آخر آن اضافه می‌کنند یا تعدادی سؤال کنکور به آن می‌افزایند تا وجه تسمیه «به کوشش» یا «به اهتمام» درباره آن صدق کند و نانشان «حلال» گردد و با درج نام خود در کنار نام مثلاً علامه محمد قزوینی یا عباس اقبال آشتیانی یا محمد معین کسب شهرت و اعتباری بکنند. طبعاً این مشخصات جدید در برگه فهرست‌نویسی فیثابت می‌شود؛ اگر خود ناشر دست به چنین کاری زده باشد که به زمره پدیدآورندگان راه می‌یابد و به فهرست آثار و منشوراتش هم

به صورت افست باز چاپ کند. به نظر بنده، برای حفظ حقوق معنوی پدیدآورندگان، اداره کتاب وزارت ارشاد باید لیست سیاهی از مرتکبان این کارها درست کند و به این کارها اجازه باز نشر ندهد و آنها را در شمار منشورات این دسته ناشران به حساب نیاورد؛ زیرا گاه دیده شده است همین ناشران، با وجود کثرت ارتکاب چنین اعمالی، به عنوان ناشر نمونه انتخاب می‌شوند؛ چون تعداد زیادی کتاب در سال نشر کرده‌اند. بنابراین چنین ناشرانی بهتر است از تسهیلات نمایشگاهی و حمایت‌های خرید و پیش‌خرید ارشاد و نهاد کتابخانه‌های عمومی و ناشران قابل تقدیر و امتیازات دیگر محروم شوند.

بی‌شک اجرای درست قانون حمایت از حقوق معنوی و فکری پدیدآورندگان و نظارت بر آن، و حمایت از حقوق کسانی که سالهاست در گذشته‌اند، وظیفه معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و جا دارد که قانون قانون مصوب ۱۳۴۸ بار دیگر از سوی ناشران حرفه‌ای و مؤلفان فرهیخته بازنگری و برای ایفای حقوق پدیدآورندگان گام‌های اساسی تری برداشته شود.

اکبر ایرانی

اضافه می‌شود؛ یعنی با یک تیر دو نشان می‌زند: هم در سلسله نویسندگان قرار می‌گیرد و هم بر تعداد منشورات خود می‌افزاید.

از این بدتر آنکه بعضی ناشران به خود اجازه می‌دهند، به بهانه قدیمی بودن حروف چینی چاپ اول، مرتکب حروف چینی جدید شوند و با ایجاد اغلاط مطبعی، به قول مشهور، تن مؤلف مرحوم را در گور می‌لرزاند. چه نقلها که همگان از دقت امثال علامه قزوینی و مجتبی مینوی و محدث ارموی در هنگام چیدن حروف شنیده‌اند! ناشر محترم یا طابع معظم و کوشنده و اهتمام‌ورزنده مکرّم نمی‌فهمد که با این کار، و گاه با تغییر صفحه‌آرایی آن اثر، چه ضربه‌ای به عرصه علم و پژوهش می‌زند؟ چه بسیار مقالات و پژوهش‌هایی که به همان چاپ اول ارجاع شده و طبعاً به چاپهای بعد قابل ارجاع و استناد نیست! قطعاً این مورد مشمول مواد ۱۹ و ۲۵ قانون حمایت از مصنفان و پدیدآورندگان است و اداره کتاب وزارت ارشاد باید شاکی این رفتارها باشد. اساساً نباید به این نوع فعالیت‌ها اجازه نشر داده شود و از هر ناشری هم که قصد انتشار چنین آثاری دارد باید تعهد بگیرند که حق تصرف در حروف چینی و صفحه‌آرایی اثر را ندارد و فقط می‌تواند آن را